**تصحیح لازم**

مشتاق در شرف مرگ بود متوجه شد که لب مشتاق تکان میخورد،نزدیک آمده و متوجه شد کمه‏ یا هو میگوید؛به لهجهء کرمانی گفت:«سگو،هنوز هم یا هو گوئی؟»و عجب اینست که این لقب‏ از آن ببعد بر روی خود او ماند)-«در خاتمهء احوال ملا عبد اللّه واعظ کرمان نوشته‏اند که خود از وطن دور و مهجور و متعلقین بیچاره‏اش اناثا و ذکورا اسیرتر کمان شده بسر حد توران بردند.»1

\*\*\*

چقد شبیه بود این سرگذشت،با سرگذشت شیخ محمد عارف که هنگام سلطنت ارسلانشاه‏ تبعید شد و هنگام تبعید«از روی خشم برخاسته از کرمان برفت و گفت:ما کرمان را پشت پای زدیم‏ چنان که در پای منارهء شاهیگان گرگ بچه کند.»و یا چقد شباهت دارد این کلام با کلام مولانا بهاء الدین ولد که سوگند یاد کرد تا سلطان محمد پادشاه خراسان است،قدم به آن خاک نگذارد.

رسم دنیا جمله تکرار است اندر کارها تا چه زاید عاقبت زین رسم و این تکرارها بس حوادث چشم ما بیند که نو پنداردش‏ لیک چشم پیر دنیا دیده آنرا بارها...

(1)-طرائق الحقایق ج 3 ص 85

تصحیح لازم

در صفحهء 453 س 6-7(شمارهء دهم،دی ماه 1343)دو بیت از شعر«دیوار»دکتر غلامحسین‏ یوسفی استاد ارجمند ما اشتباه چاپ شده و شرمنده‏ایم،درست آن چنین است:

گاه گویم کاش دیواری بدم‏ فارغ از اندیشه‏های زندگی‏ نی مرا فریادها در سینه بود نی تکاپویی برای زندگی